

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه ۲۲ - سه‌شنبه ۹۲/۸/۲۸

دوران امر بین عام و خاص

می‌دانیم مولا امر به آوردن حیوان کرده است اما نمی‌دانیم مطلق حیوان را اراده کرده است یا حیوان خاص مانند فرس را اراده کرده است؟

آیا چنین اقل و اکثری که تحلیلی محض است و خارجیت ندارد، مرجع احتیاط است یا برائت؟ (می‌دانیم که در هیچ کجا نمی‌توانیم حیوانیت را از فصل آن جدا کنیم و بلکه به یک معنا فصل نیز از جنس آن جدا نمی‌شود).

این بحث از آوردگاه‌های بزرگ میان اعلام است و برخی که در موارد دیگر قائل به برائت بودند در اینجا قائل به احتیاط شده‌اند، کما اینکه برخی این صورت را نیز مشمول ادله‌ی برائت دانسته‌اند.

کلام آخوند رحمته‌الله در عدم جریان برائت در عام و خاص^۱

مرحوم آخوند بعد از اینکه درباره‌ی جریان و عدم جریان برائت در اجزاء بحث کردند و در متن کفایه

۱. کفایة الأصول (ط - آل البيت علیهم‌السلام)، ص ۳۶۷:

أنه ظهر مما مر حال دوران الأمر بین المشروط بشيء و مطلقه و بین الخاص كالإنسان و عامه كالحيوان و أنه لا مجال هاهنا للبراءة عقلا بل كان الأمر فيهما أظهر فإن الانحلال المتوهم في الأقل و الأكثر لا يكاد يتوهم هاهنا بداهة أن الأجزاء التحليلية لا يكاد يتصف باللزوم من باب المقدمة عقلا فالصلاة مثلا في ضمن الصلاة المشروطة أو الخاصة موجودة بعين وجودها و في ضمن صلاة أخرى فاقدة لشرطها و خصوصيتها تكون متباينة للمأمور بها كما لا يخفى.

نعم لا بأس بجريان البراءة التقلية في خصوص دوران الأمر بين المشروط و غيره دون دوران الأمر بين الخاص و غيره لدلالة مثل حديث الرفع على عدم شرطية ما شك في شرطية و ليس كذلك خصوصية الخاص فإنها إنما تكون منتزعة عن نفس الخاص فيكون الدوران بينه و [بين] غيره من قبيل الدوران بين المتباينين فتأمل جيدا.

منکر برائت عقلی شدند ولی برائت شرعیه را جاری دانستند، با صرف نظر از اشکالات جریان برائت عقلی در اجزاء، اشکالی را در مورد عام و خاص ذکر می کنند که این اشکال در نهایت به دو اشکال باز می گردد که اشکال اول بر جریان برائت عقلیه بوده و مشترک میان عام و خاص و شرط و مشروط است و اشکال دوم مختص به جریان برائت شرعیه در عام و خاص است که در نتیجه، جریان برائت شرعیه را در شرط می پذیرند ولی جریان برائت شرعیه را در عام و خاص نمی پذیرند.

بنابراین مرحوم آخوند معتقدند که دوران امر بین عام و خاص، نه مجرای برائت عقلی است و نه مجرای برائت شرعی می باشد.

اشکال اول مرحوم آخوند، عبارتست از اینکه:

از آنجا که خاص مانند انسان، فرس یا مثلاً نماز اول ماه، اگر موجود شود و تحقق پیدا کند به تمام هویتش با نمازی که در مکان و زمانی دیگر است متفاوت می باشد، لهذا عامی که قائم به صلاة خاص است با عامی که قائم به صلاة خاص نیست متباین خواهد بود. به تعبیر دیگر در مثال حیوان و فرس، حیوانی که در ضمن فرس موجود است با حیوانی که در ضمن غیر فرس موجود است متباین است؛ زیرا طبیعی (کلی) وجوداً به تعدد افرادش، متعدد می شود و نسبت طبیعی به افرادش نسبت آباء متعدد به ابناء متعدد است نه نسبت آب واحد به ابناء متعدد.

بنابراین اگر دوران امر بین خاص و عام بود در حقیقت دوران امر بین متباینین می باشد؛ زیرا عامی که در ضمن فرس است، وجودی دارد مغایر با عامی که در ضمن غیر فرس است.

این بیان به طبیعتی که مشروط به شرطی شده است نیز سرایت می کند، مانند صلاتی که مشروط به طهارت است یا رقبه ای که مشروط به ایمان است؛ زیرا رقبه ای که مؤمنه است با رقبه ای غیر مؤمنه متباین خواهد بود.

مرحوم آخوند در مورد شرط، راه تخلصی پیدا می کنند و می فرمایند بیان مذکور مانع برائت عقلیه در شرط و مشروط و عام و خاص است، اما برائت شرعیه در شک در شرط زائد جاری است؛ زیرا شرط چیز زائدی بر مشروط است، نماز می تواند موجود باشد و شرط بر آن اضافه شود یا رقبه می تواند چیزی باشد که ایمان زائد بر آن است و لذا شک می کنیم که آیا این امر زائد، تحت تکلیف رفته است یا خیر، حدیث رفع و مثل آن شامل خواهد شد و مشکلی در جریان برائت شرعیه وجود ندارد. اما در مثل عام و خاص اشکال دومی وارد است و نمی توانیم برائت شرعیه را جاری سازیم؛ زیرا خصوصیت خاص، منتزع از امر منحازی نیست و منشأ جدایی ندارد. در واقع فرسیت فرس از امر زائدی نسبت به متیقن، انتزاع نمی شود

بلکه فرسیت از کل وجود فرس انتزاع می‌شود، به‌خلاف طهارت نماز که منشأ انتزاع آن چیزی غیر از بقیه‌ی اجزاء و شرایط است و می‌توان نمازی داشت که طهارت نداشته باشد یا طهارتی که جدا از نماز باشد و حتی در جهر در قرائت، جهر را از کیفیت خاصی انتزاع می‌کنیم لذا می‌تواند مجرای برائت شرعیه قرار گیرد، به‌خلاف فرسیت فرس که از تمام وجود فرس انتزاع می‌شود و جدای از فرس نیست تا مشمول «رفع ما لا یعلمون» گردد.

بنابراین برائت عقلیه طبق بیان‌های مذکور، در شرایط مشکوک که جاری نیست اما برائت شرعیه در شرایط مشکوک جاری است؛ زیرا جدای از مشروط هستند، ولی در خاص مشکوک حتی نمی‌توانیم برائت شرعیه را جاری کنیم؛ زیرا منشأ انتزاع جدایی ندارد و شک در وجودش مجرای برائت نخواهد بود.

نقد و بررسی کلام مرحوم آخوند در دوران امر بین عام و خاص

مرحوم آخوند در اشکال اول فرمودند از آنجا که وجود طبیعی در هر فرد، مابین با وجود طبیعی در فرد دیگر است لهذا عام و خاص متباین هستند. اما باید گفت این سخن در مقام امتثال و وجود خارجی درست است؛ یعنی هر عامی که در ضمن یک فصل محقق می‌شود غیر از عامی است که در ضمن فصل دیگر محقق می‌شود، ولی بحث ما مربوط به مقام جعل و بعث و طلب انشائی است نه خارج و مقام امتثال؛ زیرا خارج، ظرف سقوط طلب است. در مقام طلب فرض آنست که می‌دانیم مولا حیوانیت را طلب کرده است ولی نمی‌دانیم آیا در ضمن فصل خاصی طلب کرده است - یعنی حیوان صاهل (فرس) - یا حیوانیت در ضمن هر نوعی محقق شود مطلوب اوست. واضح است در چنین مقامی حیوانیت به صورت مبهم و عدم تحصیل قطعاً مطلوب است، هر چند وجود خارجی آن نیازمند فصل است. لذا حیوانیت در مقام جعل متیقن است؛ یعنی اقل معلوم و یقینی است و اکثر (حیوان صاهل) مشکوک است.

و از این بیان، پاسخ سخن دوم آخوند علیه السلام نیز روشن می‌شود؛ زیرا گرچه خصوصیت خاص از کل وجودش انتزاع می‌شود اما فرض آنست که در مقام طلب احتمال می‌دهیم مولا جزئی از خاص را خواسته است و جزء دیگر را نخواست است؛ یعنی عامی که مقوم خاص است را خواسته است نه بیشتر و لامحاله اکثر مشکوک است و می‌تواند مجرای برائت عقلی یا شرعی شود و عام، قدر متیقن است؛ یا در ضمن این خاص یا در ضمن هر خاصی و همراه هر فصلی.

بنابراین روشن شد که در مثل جنس و نوع نیز با انحلال حقیقی، برائت عقلی و شرعی هر دو جاری است و جریان انحلال حکمی نیز روشن است.

مقرر: سيد حامد طاهري

ويرايش و استخراج منابع: محمد عبدالهي